

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

دین مقدّس اسلام که یک دین کامل و جامع می باشد، در تمام زمینه های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... دارای برنامه و قوانین و مقررات خاصی است. از آنجا که انسان ها در زندگی اجتماعی با هم روابط مختلفی دارند، هر چه این روابط بیشتر باشد، احتمال اختلاف نیز بیشتر می شود. برای پیشگیری از اختلافات و نزاع های احتمالی، و جهت تنظیم صحیح روابط انسانها لازم است مقرراتی وضع و طبق آن عمل شود. معاملات، قراردادها و عقود مختلف در زندگی و روابط اجتماعی و اقتصادی انسان ها بطور قابل توجه و چشمگیری وجود دارد. یکی از مهمترین روابط انسان ها با یکدیگر زندگی مشترک زوجین می باشد. عقد ازدواج یا همان نکاح یکی از عقود است که پس از انعقاد آن، زوجین بطور مرتّب با هم ارتباط داشته و حقوق و تکالیف متقابلی در برابر هم پیدا می کنند. حقّ استمتاع، حق نفقه و مهریه از بارزترین حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر است که قدمت و پیشینه ی آن به ازدواج اولین زوجین، یعنی آدم و حوا، بر می گردد.^۱

از جمله روابط مالی زوجین مهریه می باشد. مهر یا صداق مالی است که مرد به سبب ازدواج ملزم به پرداخت آن به زن می شود، در عرف این عمل نشانه ی احترامی است که مرد برای زن قائل است. مهر مظهر تعهد شوهر برای تأمین زندگی زن می باشد و در بعضی مواقع مانع گسستن پیوند زناشویی شده و تضمینی برای دوام ازدواج به شمار می رود.^۲

گرچه در ازدواج دائم مهر به عنوان رکن عقد محسوب نمی شود، اما چون در عقد ازدواج ولو پس از انعقاد عقد، مهریه ای تعیین می شود؛ لذا از دیرباز موضوع مهریه مورد توجه بوده و در مباحث مربوط به نکاح پیرامون آن صحبت شده است. قدیمی ترین قانونی که تا کنون در مورد مهریه شناخته شده، قانون هامورابی می باشد که حدود ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تدوین شده است.^۳

مهریه در اسلام از احکام تأسیسی نبوده و اسلام آن را ابداع نکرده است؛ اما اسلام اهمیّت زیادی برای امر نکاح و بخصوص حقوق زن قائل شده است، احکام خاصی برای آن وضع کرده که یکی از

۱- قمی، شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه، سال ۱۴۱۳ه ق، « من لا یحضره الفقیه»، ج. ۳، ص. ۳۸۰-۳۷۹.

۲- یربلی قمی، سیدعلی محمد، سال ۱۳۷۶ش، « حقوق خانواده » (در قانون جمهوری اسلامی ایران)، ص. ۸۳.

۳- بیات، رقیه، مهر و آبان ۱۳۸۱ش، « تاریخچه ی مهریه »، مقاله، مجله ی دین پژوهان، شماره ۱۰ [منبع الکترونیکی، سایت

hawzah.net، تاریخ درج: ۱۳۸۶/۱۱/۶]

مهمترین این احکام، مهریه می باشد. کاری که اسلام نسبت به مهر انجام داده این است که آن را به حالت فطری خودش برگردانده است.

مباحث مختلفی پیرامون مهر قابل طرح و بحث می باشد؛ جنس مهر، انواع مهر، کیفیت پرداخت مهر و مقدار و میزان مهر از جمله مباحثی است که مورد توجه فقهاء و حقوقدانان بوده است. میزان و مبلغ مهر با همه فراز و نشیب های که در گذشته داشته، امروزه از اهمیت خاصی برخوردار است. افزایش غیرمعقول و غیرمتعارف مهریه ها در سال های اخیر، مشکلات متعددی را بخصوص در کشور ما به وجود آورده است.

علل و انگیزه های مختلف و متعددی وجود دارد که به عنوان عوامل افزایش مهریه از آنها نام برده می شود. به گفته ی بعضی از جامعه شناسان بررسی ها نشان می دهد که این پدیده یعنی افزایش مهریه قدمت زیادی ندارد و تقریباً پدیده جدیدی است. گفته شده ازدواج با مهریه سنگین بین سالهای ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۵ تقریباً سه برابر شده است و بر عکس ازدواج با مهریه های پائین به همان نسبت پائین آمده است، این مطلب نشان می دهد که از سال های ۱۳۳۰ به بعد مهریه ها شروع به افزایش کرده است.^۱

لازم است در همین مقدمه اشاره ای گذرا و کوتاه به مهمترین عوامل افزایش مهریه داشته باشیم:

۱- علل گرایش به افزایش مهریه

فخر فروشی: انسان ذاتاً موجودی فخر فروش است، خداوند متعال در سوره مبارکه تکاثر به این موضوع تصریح می نمایند، آنجا که می می فرماید: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»^۲
ترجمه: فزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است. تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید)^۳
انسان ها غالباً روحیه فخر فروشی داشته و از اینکه خود را برتر از دیگران بدانند، لذت می برند. یکی از راههای فخر فروشی قراردادن مهریه های سنگین می باشد. یعنی فخر فروشی و مباحث برخی از دختران و وابستگان آنها یکی از علل افزایش مهریه می باشد.

۱- یوسف زاده، حسن، سال ۱۳۸۸ش، «پایش جامعه شناختی مهریه»، مقاله، مجله ی کتاب زنان، شماره ۲۷. [منبع الکترونیکی، سایت hawzah.net، تاریخ درج: ۱۳۸۸/۱۱/۲۴].

۲- قرآن کریم، سوره ی تکاثر، آیات: ۱-۲.

۳- توجه: در ترجمه ی همه ی آیات قرآن کریم از ترجمه ی آیت الله ناصرمکارم شیرازی استفاده شده است.

چشم و هم چشمی: « یکی از مهمترین عوامل افزایش مهریه در سال های اخیر که نویسندگان و کارشناسان بسیاری نیز بدان اشاره کرده اند، عامل چشم و هم چشمی است؛ به این معنا که فرد یا خانواده او وضعیت بالای مادی اقوام یا همسایگان یا دیگران را ملاک قرار می دهد و به دست و پا می افتد که خود را همطراز آنان قرار دهد»^۱.

« امروزه در تغییر و حرکت ارزش ها، نوعی مسابقه برای دسترسی به ارزش های قشر بالا و طبقه بالای جامعه وجود دارد. قشر متوسط خود را به مقیاس های جدید ارزشی قشر بالا می آریند ... قشر متوسط در مسابقه برتری جوئی می خواهند خود را از قشر پائین تر خود متمایز سازند. فرایند تغییر ارزش ها بعد از رسیدن به یک شرایط جدید، در یک نقطه توقف نمی کند، بلکه به مجرد اینکه این پدیده به قشر متوسط سرایت کرد و آنها خود را به مقیاس های ظاهری آن آراستند، قشر بالا مجدداً با متمایز کردن خود یک موج دیگر تولید می کند»^۲.

« یکی از چیزهایی که مسابقه و مقایسه مردم در مورد آن کاملاً به چشم می خورد، تعیین مهریه های سنگین است، طبقه بالا سعی می کند همواره خود را در سطح بالاتر از سطح طبقات پائین تر خودش نگه دارد تا بدینوسیله فاصله خود را از آنها حفظ کند، به نظر می رسد این مسابقه نقطه پایانی ندارد»^۳.

غالباً دختران برای تعیین مهریه نگاه به مهریه دوستان، اقوام و یا همشهریان خود می کنند و می گویند چون دیگران مهریه زیاد تعیین کرده اند، ما نیز چیزی از آنان کم نداریم و باید مهریه ما هم زیاد باشد. در واقع برای خود عیب می دانند که مهریه آنها کمتر از مهریه دیگر دختران باشد.

نسیه بودن مهریه: از دیگر دلایل افزایش مهریه، نسیه بودن آن یا قصد عدم دریافت آن می باشد، مرسوم است موقع تعیین مهریه که غالباً والدین با هم چانه زنی می کنند، گفته می شود: « حالا چه کسی مهریه داده و چه کسی گرفته است » و یا می گویند: « داماد که فعلاً نمی خواهد مهریه را بدهد، پس چرا مهریه را کم قرار دهیم » در واقع مردان از فلسفه ی وجودی و وضعیت حقوقی مهریه تلقی نادرستی داشته و زنان نیز در مطالبه و گرفتن مهریه تسامح کرده و این حق خود را هیچ می انگارند. اگر مردان نسبت به پرداخت مهریه بدون هیچ گونه احتمال بخشش، خود را واقعاً متعهد می دانستند،

۱- انصاریان، حسین، زمستان ۱۳۸۰ش، « نظام خانواده در اسلام »، فصل ۷، ص. ۱۴۶.

۲- رفیع پور، فرامرز، سال ۱۳۷۸ش، « آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در تهران، ص. ۲۵۰-۲۴۸.

۳- یوسف زاده، حسن، همان منبع قبلی.

زیر بار مهریه زیاد نمی رفتند و اگر زنان خود را واقعاً مستحق اخذ مهریه می دانستند، مهریه ای را پیشنهاد می کردند که امکان گرفتن آن را داشته باشند.

افزایش روحیه ی اقتصادی و نگرش های مادّی: یکی از علل افزایش مهریه، وقوع تغییراتی در نظام باورها، نگرش ها، رفتارها و انتظارات و ترجیحات اکثر افراد جامعه است که به تبع ناشی از تغییرات کلی در نظام اجتماعی و ارزش ها و هنجارهای حاکم بر جامعه می باشد. برخی از طرفداران حقوق زن معتقدند، می توان از مهریه های سنگین در راستای توسّل به ثروت و سرمایه گذاری استفاده کرد. در واقع درخواست مهریه زیاد یکی از راههای استقلال اقتصادی زنان است. امکان ایفای نقش های متعدّد در عرصه اجتماعی و دریافت پاداش های متناسب، پیامدهای اجتماعی و روانی برای زنان به وجود آورده و آنان بیش از همیشه به توانمندی ها، خلاقیت ها و امکان ایفای مسئولیت های خویش پی برده اند. الگوبرداری از غرب و در نتیجه تقلید از سبک زندگی آنها منشأ چنین نگرش های گردیده است.^۱

ارتقای منزلت اجتماعی: برخی قبول و پرداخت مهریه زیاد را نشانه ای از علاقه مندی مرد به زن و برتری منزلت و جایگاه زن می دانند. زنانی که از کمالات و امتیازات اجتماعی بالائی برخوردار نیستند، از طریق مهریه می توانند این کمبود را جبران نموده و جایگاه مورد نظر خود را در اجتماع به نوعی به دست آورند.^۲

کمال یابی زن: دستیابی به مهریه های کلان ممکن است به نوعی ترفیع و تفاخر اجتماعی تعبیر شود که زنان و جوانان در سن ازدواج، بیشتر از هر گروهی دیگر در معرض آن قرار می گیرند، بیشتر از هرکس دیگر به آن ارج می نهند و بیشتر از هر گروه دیگر از آن تأثیر می پذیرند.^۳

جلوگیری از طلاق: برخی حتّی عوام جامعه معتقدند مهریه زیاد عامل مهمی در جلوگیری از متلاشی شدن خانواده می باشد، یعنی مانعی می شود که زوجین با کوچک ترین اختلاف به طلاق فکر نکنند. اینان می گویند مهریه تمهیدی برای استحکام بنیاد خانواده و ارتقای محبوبیت زن نزد مرد می باشد. از عدم اطمینان خاطر نسبت به آینده، ترس از وقوع مسائل غیر قابل پیش بینی، کنترل هواخواهی و مهار تمایلات متنوع مرد، می توان دریافت که اعتقاد به افزایش مهریه، ریشه در ارتقای ضریب استحکام بنیان خانواده و کاهش وقوع طلاق و پیامدهای بد آن دارد. استواری خانواده در

۱- یوسف زاده، حسن، همان منبع قبلی.

۲- شرف الدین، حسین، سال ۱۳۸۰ش، « تبیین جامعه شناختی مهریه »، ص. ۲۴۹.

۳- محسنی، منوچهر، سال ۱۳۷۹ش، « بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران »، ص. ۱۰۹.

گذشته معلول تعهدات اخلاقی طرفین، قبح طلاق و شدت کنترل اجتماعی و ... بوده است، به همین دلیل هم، مهریه و سایر الزامات حقوقی نقش چندانی نداشت؛ ولی در جامعه امروز به سبب تغییرات اجتماعی، عرف برای تثبیت این کانون خانواده به ابزاری مانند افزایش مهریه توسل می‌جویند. کما اینکه برخی می‌گویند چون حق طلاق به دست مرد است، زن با مهریه بیشتر می‌خواهد از احساس ناامنی در زندگی زناشویی بکاهد.

عدم استیفای کامل حقوق زن: طبق این نظریه، افزایش مهریه محصول غیر مستقیم متروک ماندن سایر الزامات حقوقی زنان است. از جمله حقوق اساسی و فراموش شده‌ی زنان، دریافت اجرت خدمات و فعالیت هائی است که زن به طور طبیعی یا بر اساس انتظارات نهادینه شده و سیره‌ی مستمر عرف، ملزم به انجام آن شده است. اگر عرف در پرداخت خدمات خانگی تسامح نمی‌کرد و زن با امید به دریافت پاداش مناسب در انجام خدمات نگرانی‌های خود را نسبت به آینده از بین می‌برد، میزان مهریه هرگز افزوده نمی‌شد.^۱

بالا رفتن هزینه‌ها و تشریفات ازدواج و سطح تحصیلات زوجین: طبق برخی تحلیل‌ها پیامد افزایش روز افزون هزینه‌ها و تشریفات متنوع و پر خرج ازدواج، همچون تهیه جهیزیه کامل به وسیله خانواده دختر، باعث افزایش مهریه می‌گردد. طبق رسم رایج در جامعه خانواده‌ی دختر معمولاً تهیه برخی هزینه‌ها به ویژه جهاز یا دست کم اقلام ضروری را بر خود لازم می‌داند.

التزام به این سنت باعث شده حتی خانواده‌های فقیر نیز برای حفظ آبرو به هر شکلی که شده، متحمل هزینه بالائی گشته و جهیزیه را تأمین نمایند. برای جبران این هزینه‌ی زیاد، مهریه را به بعنوان سنتی ملی - مذهبی وسیله‌ای مناسب برای جبران بخشی از هزینه‌ها تشخیص داده و از این طریق خانواده‌ی دختر اقتدار و کمال و عزت خود را نشان می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهریه با متغیرهای سواد و شغل و پایگاه اجتماعی در ارتباط است. هر چه میزان سواد زنان بیشتر باشد، میزان مهریه بالاتر می‌رود. کسانی که دارای تحصیلات بالاتر و دارای حرفه و مشاغل بهتری هستند، مهریه‌ای بالاتر دارند.^۲

۱- سمینار بین‌المللی مطالعات خانواده در مورد مهریه سنگین، نقل از: یوسف زاده، حسن، همان منبع قبلی.

۲- یوسف زاده، حسن، همان منبع قبلی.

تضعیف اعتماد اجتماعی و ازدواج های برون فامیلی: طبق بررسی های به عمل آمده در شهر تهران میزان اعتماد اجتماعی در حد قابل توجهی پائین آمده است.^۱ غالباً انسان ها در انجام معامله با افراد بیگانه یا ناشناس سعی می کنند میزان خطرپذیری خود را به حداقل رسانده و برگ برنده ای در اختیار خود نگه دارند. زوجین نیز چون شناخت کافی از یکدیگر ندارند، از طریق مهریه های سنگین سعی در کم کردن خطرات احتمالی دارند. همین طور رواج ازدواج های برون فامیلی به سبب ضعف آگاهی از خواستگار، ضعف اعتماد، ترس نسبت به آینده، آسیب پذیری خانواده و از میان رفتن قبح سنتی طلاق و ... از جمله عواملی هستند که مهریه را افزایش می دهد.

عواملی که اختصاراً ذکر شد، از جمله عواملی هستند که باعث افزایش بی رویه مهریه در جامعه شده و هر روز نیز خانواده ها و دختران آماده ازدواج برای افزایش مهریه خویش رقابت نموده و مسابقه می گذارند.

۲- اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

تاکنون راهکارهای مختلفی جهت رفع یا پیشگیری از مشکلات مهریه های سنگین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ یکی از تصمیمات اتخاذ شده، اضافه کردن قیودی مثل « عندالاستطاعه یا عندالقدره و الاستطاعه»، در سند ازدواج می باشد. گرچه چنین تصمیمات و قوانینی ممکن است بعضی از مشکلات تعیین مهریه های سنگین را کمتر نماید، اما این راهکار نیز نتوانسته مانع تعیین مهریه های سنگین شود و مشکلات این مهریه ها روز به روز بیشتر می شود. با توجه به اینکه تعیین مهریه های سنگین به صورت یک فرهنگ غلط در آمده و مشکلات متعددی در پی داشته که اگر این وضعیت کنترل و مهار نشود، رقابت در تعیین مهریه های سنگین روز به روز بیشتر خواهد شد و بالطبع مشکلات ناشی از آن نیز زیاد تر خواهد شد؛ لذا موضوع انتخاب شده از این جهت اهمیت دارد که با ارائه راهکار شرعی و قانونی می توان از افزایش مهریه های سنگین جلوگیری نموده و مشکلات ناشی از آن را در حد قابل توجهی کاهش داد. همین طور این بدعت و فرهنگ رایج و غلط مهار خواهد گردید، لذا لازم است جهت محدود نمودن اراده ی زوجین در تعیین مهریه به صورت اساسی و قانونی اقدامی صورت گیرد، تا هم مشکل شرعی و قانونی نداشته باشد و هم از تعیین مهریه های سنگین و مشکلات ناشی از آن جلوگیری شود.

۱- رفیع پور، فرامرز، همان منبع، ص. ۱۰۹.

در این پایان نامه پس از بیان مطالبی کلی در بحث مهریه، چهار سؤال و چهار فرضیه مورد تحقیق و بررسی قرار می گیرد:

۳- سؤالات (مسائل)

۱- آیا تعهد به پرداخت مهریه سنگین که امکان پرداخت آن نیست، از جهت شرعی و قانونی صحیح می باشد یا خیر؟

۲- در صورت باطل بودن تعهد به پرداخت مهریه سنگین، آیا بطلان مهریه باعث بطلان عقد نکاح هم می شود یا خیر؟

۳- آیا راهکارهای قانونی و شرعی جهت تحدید اراده ی زوجین در تعیین مهریه وجود دارد؟

۴- آیا در تعیین و تعهد به پرداخت مهریه های سنگین قصد و اراده ی جدی وجود دارد یا خیر؟

۴- فرضیه ها

۱- تعهد به پرداخت مهریه سنگین، در صورت عدم قدرت بر پرداخت، مشکل قانونی و شرعی دارد، یعنی چنین تعهدی باطل است.

۲- در صورت باطل بودن مهریه، خللی به عقد نکاح (البته در نکاح دائمی) وارد نمی شود، به عبارت دیگر در صورت بطلان مهریه، عقد نکاح باطل نمی شود.

۳- راهکار شرعی و قانونی جهت تحدید اراده ی زوجین در تعیین مهریه وجود دارد.

۴- در تعیین و تعهد به پرداخت اکثر مهریه های سنگین، قصد و اراده ی جدی وجود ندارد.

۵- اهداف کلی

در این پایان نامه سعی شده تا ضمن بررسی دقیق نظر اسلام و فتاوی فقهای شیعه و سنی نسبت به میزان و مقدار مهریه، بررسی عوامل افزایش مهریه های سنگین و مشکلات ناشی از آن، راهکار یا راههای شرعی و قانونی مناسبی پیدا کنیم، تا بدینوسیله بتوان به صورت اساسی جلو ازدیاد بی رویه مهریه را گرفت. زوجین در تعیین میزان و مقدار مهریه محدودیتی داشته باشند، تا بلکه مشکلات ناشی از این امر کاسته شود، سپس از طرق قانونی پیشنهاد تصویب قانونی داده شود تا نظم و تعدیلی در تعیین میزان مهریه به وجود آید.

۶- روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان نامه بنیادی- تحلیلی بوده که مهمترین ابزار آن کتاب می باشد. این پایان نامه از یک مقدمه و دو فصل تشکیل شده است؛ فصل اول شامل کلیاتی در مورد پیشینه، سیرتحوّلی و روش های تعیین مهریه و مباحث متفرقه ی دیگر می باشد. فصل دوم نیز با یک مقدمه

شروع می شود. در این مقدمه، نظر دین مقدّس اسلام، فتاوی فقهاء و حقوقدانان نسبت به مهریه، فلسفه و ماهیت حقوقی مهریه و سپس سؤالات و فرضیه های مطرح شده مورد کنکاش قرار می گیرد. در نهایت انشاءالله راهکارهای شرعی وقانونی و پیشنهاد یا پیشنهادات لازم جهت موضوع مورد تحقیق ارائه خواهد شد.

فصل اوّل

کلیات

پیشینه، سیرتحوّلی، اقسام و انواع
مهریه، روش های تعیین مهریه و...

بخش اول

پیشینه و سیر تحولی

مهریه، مهریه های منسوخ

در اسلام

بعضی از مباحث و اعمال حقوقی قدمتی به قدمت تاریخ انسان دارد؛ روابط مالی و غیر مالی زوجین از همان زمان حضرت آدم و حواء مطرح بوده و حتی در روایات اسلامی از نحوه خواستگاری حضرت آدم (ع) از حضرت حواء و نحوه تعیین مهریه حواء سخن به میان آمده است. با مطالعه کتب تاریخی، بخصوص کتبی که در مورد حقوق زن نوشته شده، و همین طور مطالعه در متون دینی و کتب احادیث معلوم می شود که: مهریه از ابداعات دین مقدس اسلام نیست، بلکه قبل از اسلام نیز، پرداخت مهریه به شکل های مختلف مرسوم بوده است. طبق برخی روایات، سنت اعطای مهر عمری به بلندای اصل پیوند زناشویی در میان بشر دارد و هیچ گاه عقد نکاح خالی از آن نبوده است.^۱

در کتب معتبر حدیثی، نقل شده که مهریه حضرت حواء تعلیم معارف دینی بوده است. روایت ذیل که از امام صادق (ع) نقل شده چنین بیان می دارد :

«... فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا آدَمُ هَذِهِ أُمَّتِي حَوَاءُ أَفْتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مَعَكَ تُؤْنِسُكَ وَ تُحَدِّثُكَ وَ تَكُونَ تَبَعًا لِأَمْرِكَ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَبُّ وَ لَكَ عَلَيَّ بِذَلِكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ مَا بَقِيتُ فَقَالَ اللَّهُ : عَزَّ وَجَلَّ فَأَخْطَبُهَا إِلَيَّ فَإِنَّهَا أُمَّتِي وَ قَدْ تَصَلَّحُ لَكَ أَيْضًا زَوْجَةٌ لِلشَّهْوَةِ وَ أَلْقَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ الشَّهْوَةَ وَ قَدْ عَلَّمَهُ قَبْلَ ذَلِكَ الْمَعْرِفَةَ بِكُلِّ شَيْءٍ فَقَالَ يَا رَبُّ فَإِنِّي أَخْطَبُهَا إِلَيْكَ فَمَا رِضَاكَ لِذَلِكَ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ رِضَايَ أَنْ تُعَلِّمَهَا مَعَالِمَ دِينِي فَقَالَ ذَلِكَ لَكَ يَا رَبُّ عَلَيَّ إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ لِي فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَ قَدْ شِئْتُ ذَلِكَ وَ قَدْ زَوَّجْتُكَهَا فَضُمَّهَا إِلَيْكَ فَقَالَ لَهَا: آدَمُ (عليه السلام) إِلَيَّ فَأَقْبِلِي فَقَالَتْ لَهُ : بَلْ أَنْتَ فَأَقْبِلِي إِلَيَّ فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ (عليه السلام) أَنْ يَقُومَ إِلَيْهَا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَكَانَ النِّسَاءُ هُنَّ يَذْهَبْنَ إِلَى الرَّجَالِ حَتَّى يَخْطُبْنَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِنَّ فَهَذِهِ قِصَّةُ حَوَاءَ».^۲

۱- شرف الدین، حسین، همان قبلی، ص. ۲۴۴.

۲- قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، همان منبع، ص. ۳۸۰-۳۷۹. همچنین در کتاب علل الشرایع، سال نشر ۱۳۸۶ق، ج. ۱، باب ۱۷، ص. ۱۸ از همین مؤلف.

ترجمه: ...خداوند فرمود: این کنیزه من حواء است آیا دوست می داری که او با تو و همراه تو، موجب انس تو باشد و با او هم صحبت باشی؟ آدم در پاسخ گفت: بلی تا زنده هستم شکرگزارم. خداوند فرمود: از او خواستگاری کن. در این حال خداوند شهوت را نیز در وجود آدم پدید آورد. حضرت آدم گفت: پرورگارا من از تو حواء را خواستگاری می کنم، اکنون بفرمایید وظیفه ی من و خواست تو چیست؟ خداوند فرمود: مهریه او این است که معارف دین را به او یاد بدهی. حضرت آدم قبول کرد. خداوند صیغه ی عقد خواند، پس از آن آدم به حواء گفت: اینک به سوی من بیا. حواء در جواب گفت تو به طرف من بیا. خداوند به حضرت آدم فرمود تو به سوی او برو. حضرت صادق (ع) در ادامه می فرمایند: اگر این چنین نبود که آدم مأمور شد به طرف حواء برود، زن ها به سراغ مردها می رفتند و زن ها از مردها خواستگاری می کردند . همانطور که در این روایت ملاحظه شد، «مهریه» تاریخی به قدمت ازدواج اولین زوجین عالم دارد و مهریه در اسلام از احکام تأسیسی نیست، بلکه سابقه ای بسیار طولانی دارد.

۱-۱-۱: سابقه ی مهریه در بعضی کشورها و ادیان

مهریه در ایران باستان

برخی از نویسندگان معتقدند که پیش از اسلام در ایران مهریه مرسوم نبوده است، ولی پس از اسلام پذیرفته شده و در فرهنگ ایران رایج شده است.^۱

برخی دیگر معتقدند که: « در ایران باستان... دختران را به محض رسیدن به سن بلوغ شوهر می دادند که از تولید مثل جلوگیری نشده باشد. پدر هم با شوهر دادن دختر خود کلیه ی حقوقی را که بر دختر و وظایفی را که در مقابل او داشت به شوهر انتقال می داد و در قبال این انتقال مبلغی پول یا مال غیر نقدی بصورت هدیه [مهریه] می گرفت».^۲

مهریه در یونان قدیم

«... از جمله تشریفات که برای ازدواج در یونان قدیم صورت می گرفته این بوده است که پدر دختر بدون اخذ مبلغی پول یا هدیه از طرف داماد، با انتقال حقوق خود نسبت به دختر و در نتیجه ازدواج وی موافقت نمی کرد».^۳

مهریه در حقوق زرتشت: از نوشته های زرتشتی چنین بر می آید که مرد هنگامی که می خواست با دختری ازدواج کند، مکلف بوده است که علاوه بر مالی که به دختر بخشیده، مالی را نیز به پدر تسلیم کند.^۴

مهریه در آیین یهود و مسیحیت: کلیه ی فرق یهود، نکاح بدون مهر را باطل می دانند. در فرقه کاتولیک (مسیحیت) مهریه وجود ندارد. فرقه پروتستان تعیین صدق را الزامی نمی داند ولی با موافقت زوجین و والدین آنها می توان صدق را تعیین و در نکاحنامه تصریح نمود.^۵

مهریه در عربستان، قبل از اسلام: « در عربستان مهر متعلق به پدر بوده و دختر حقی به آن نداشته و چون پدر با تزویج دختر خود و گرفتن مهر او مال خود را زیاد می کرد، لذا دختر را نافجه [مایه ی برکت] می گفتند...».^۶

۱- محسنی، منوچهر، همان منبع، ص. ۹۵.

۲- باباخانی، زرین، سال ۱۳۷۷ش، « مهریه (حقوق خاصه زوجه) »، ۱۳۷۷، ص. ۱۱.

۳- آزاد، علی، سال ۱۳۴۱ش، « مهر، تاریخچه و ماهیت و احکام آن (از نظر حقوق مدنی ایران و مقایسه با مذاهب مختلف) »، ص. ۱۶.

۴- همان منبع.

۵- بیات، رقیه، مهر و آبان ۱۳۸۱ش، « تاریخچه ی مهریه »، مقاله، مجله ی دین پژوهان، شماره ۱۰.

۶- مطهری، مرتضی، زمستان ۱۳۶۸، « نظام حقوق زن در اسلام، ص. ۲۲۸-۲۲۶.

نوعی دیگر مهریه در عربستان قبل از اسلام وجود داشت که بدان نکاح شغار می گفتند. در این نکاح دو نفر که دختر دم بخت داشتند، با یکدیگر معاوضه می کردند؛ به این ترتیب که هر یک از این دو دختر، مهر آن دیگری به شمار می رفت و به پدر او تعلق می گرفت. (البته این نوع نکاح و مهریه را بعداً اسلام منسوخ کرد)

مهریه در حقوق اسلام: اسلام اهمیت زیادی برای امر نکاح و بخصوص حقوق زن قائل شده است؛ احکام خاصی برای آن وضع کرده که یکی از مهمترین این احکام، مهریه می باشد. هم در قرآن کریم و هم در روایات به این موضوع مهم و شرایط آن تصریح و تأکید شده و حدّ و حدودی برای آن مشخص شده است.

مرحوم شهید استاد مرتضی مطهری می گوید:

قرآن کریم (اسلام) مهر را... ابداع نکرد، زیرا مهریه به این صورت ابداع خلقت است. کاری که قرآن کرد این بود که مهر را به حالت فطری آن برگرداند.^۱

۱-۱-۲: سیر تحوّل مهریه

مهریه که طبق استنادات ذکر شده از زمان اولین ازدواج (ازدواج حضرت آدم و حواء) مرسوم بوده، فراز و نشیب های زیادی را طی نموده است. مرحوم استاد شهید مطهری در سیر تحوّل مهریه به پنج مرحله اشاره می کند که عبارتند از:

مرحله ی اوّل، مادر شاهی

در مرحله ای از تاریخ جوانان ناچار بودند از غیر قبیله و غیر همخون خود همسر خویش را برگزینند. آنان به نقش خود در تولید فرزند واقف نبودند؛ بنابراین با اینکه شباهت فرزندان را با خود احساس می کردند، ولی در عین حال آنان را فرزندان همسر خود می شناختند و معتقد بودند که مردان عقیم می باشند. از این رو این دوره را دوره ی مادر شاهی می نامند.

مرحله ی دوّم، پدر شاهی

در این مرحله مرد به نقش خویش در تولید فرزند آگاه گشته و سعی کرده که ریاست خانواده را به عهده بگیرد. در این دوره مردان از قبایل دیگر زن خویش را انتخاب می کردند و چون میان قبایل حالت جنگ وجود داشت، همسر خود را از قبیله ی مورد نظر می ربودند.

۱- مطهری، مرتضی، همان منبع قبلی.

مرحله ی سوّم، خدمت به پدرزن: در این مرحله که صلح جای جنگ را گرفته و دیگر رسم ربودن همسر منسوخ شد و مرد مجبور بود برای انتخاب همسر آینده اش مدّتی را برای پدر زنش کار کند تا موفق به انتخاب همسر شود. در این مرحله مرد بعد از ازدواج همسرش را به قبیله ی خود می برد.

مرحله ی چهارم، پیدایش مهر:

در این مرحله که وضعیّت ثروت مردم بهتر شده بود، مرد به این نتیجه رسید که به جای کار کردن برای پدر زن آینده اش، بهتر است هدیه ای مناسب به وی [همسر] تقدیم کند و بدین ترتیب مهریه پیدا شد.

مرحله ی پنجم: ملکیت مطلق زن نسبت به مهریه:

این مرحله مربوط به دوره ی بعد از اسلام است. در این مرحله مرد هدیه یا مهریه و پیشکش تقدیم زن می نموده است. این مهریه متعلّق به خود زن بوده و به جز او هیچ کس حقّی در آن نداشته است.^۱

۱-۱-۳: نقدی کوتاه بر نظریه ی استاد شهید مطهری:

به نظر می رسد این ادّعای شهید مطهری که سیر تحوّل مهریه را به پنج مرحله تقسیم نموده و فرموده اند مهریه در مرحله چهارم پیدا شد صحیح نباشد؛ زیرا همانطور که قبلاً هم در مقدمه ی بحث با استناد به یک روایت گفتیم: از زمان ازدواج حضرت آدم و حواء مهریه وجود داشته و بعدها نیز این رسم استمرار پیدا کرده است.^۲

گر چه در مراحل مختلف تاریخ و در بین ادیان و تمدّن های مختلف هر کدام به شکل خاص و نوع خاصی مهریه تعیین و یا پرداخت می نموده اند، اما ظاهراً این رسم هیچ گاه متروک نشده است؛ بله اگر منظور شهید مطهری این باشد که مهریه در مرحله ی چهارم است که به خود زن پرداخت گردیده و قبل از آن مهریه به خود زن داده نمی شد، این ادّعا قابل قبول می باشد؛ چنانچه در قرآن نیز ذکر شده که مهریه ی همسر حضرت موسی (دختر شعیب) به این شکل بوده که حضرت موسی ابتداء چندین سال برای حضرت شعیب کار کرد تا اینکه او دخترش را به ازدواج حضرت موسی در آورد. بنابراین اگر در برهه ای از تاریخ اطلاع از نحوه تعیین مهریه و یا پرداخت آن نداشته باشیم نمی توانیم بگوئیم که در آن زمان چیزی بعنوان مهریه وجود نداشته است.

۱- مطهری، مرتضی، همان منبع، ص ۲۲۸-۲۲۶.

۲- رجوع شود به مقدمه ی این فصل، ص ۱۱.

۱-۱-۴: قدیمی ترین قانون مهریه

قدیمی ترین قانونی که تا کنون در مورد مهریه شناخته شده، قانون هامورابی [حمورابی] می باشد که حدود ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تدوین شده است. قانون هامورابی شامل ۲۸۲ ماده می باشد که ۱۵۰ ماده ی آن به زبان های زنده دنیا ترجمه شده است. طبق مواد ۱۳۸ و ۱۳۹ قانون مزبور اگر زن عقیم بوده و طلاق داده شود، شوهر مکلف است که مهر و جهیزیه ی وی را تسلیم کند، و در صورتی که زن مهریه و جهیزیه نداشته باشد [یعنی مهریه تعیین نشده باشد] پرداخت مقدار یک من نقره به او ضروری است.

قسمت آخر قانون ذکر شده شبیه همان مهرالمثل است که در اسلام گفته شده است که: اگر برای زن مهریه مشخص نشده بود و دخول صورت گرفت و زوجین در تعیین مهریه به توافق نرسیدند، زن حق مهرالمثل را دارد.^۱

۱-۱-۵: مهریه های منسوخ در اسلام

در دوران جاهلیت (قبل از اسلام) رسومی وجود داشت که با ظهور دین مقدس اسلام این رسوم ناصحیح و غلط منسوخ گردید. ذیلاً به بعضی از این رسوم اشاره می شود تا نظر دین مقدس اسلام نسبت به مهریه کاملاً روشن شود:

مهریه بعنوان حق الزحمه و شیربهاء: « در دوران جاهلیت پدران و مادران مهر را بعنوان حق الزحمه و شیربهاء حق خود می دانستند، این رسم را اسلام نسخ کرد.»^۲

زن مهریه ی زن (نکاح شغار): «در دوران جاهلیت پدر و یا جد پدری و در نبود آنها برادران مهریه زنان را تعیین می کردند، به این نحو که مردی به مرد دیگری می گفت که من دختر یا خواهرم را به عقد تو در می آورم که در عوض، دختر یا خواهر تو زن من باشد، و او هم قبول می کرد. این نوع نکاح را «نکاح شغار» می نامیدند. دین مقدس اسلام این رسم را نیز منسوخ کرد.»^۳

کارکردن داماد برای پدر زن: « اسلام کارکردن داماد برای پدر زن را که طبق گفته جامعه شناسان در دوره هائی وجود داشته است، منسوخ کرد. اسلام این آیین منسوخ شد. در روایات اسلامی تصریح شده که این گونه مهر قراردادن در دوره ی اسلام روا نیست.»^۴

۱- بیات، رقیه، مقاله، همان منبع.

۲- مطهری، مرتضی، همان منبع، ص. ۲۳۹.

۳- همان منبع.

۴- همان منبع، ص. ۲۴۰-۲۳۹.

زن یا مهریه ی او جزء ارث: «پس از مردن شخص، پسر یا برادر میّت حق همسری میّت را باقی می پنداشت و خود را مختار می دانست که زن او را به دیگری تزویج کند و مهر [او] را خودش بگیرد و یا او را بدون مهر جدیدی و به موجب همان مهری که میّت قبلاً پرداخته، زن خود قرار دهد»^۱.

فشار برای بخشش مهریه: «در دوان جاهلیّت وقتی مردی نسبت به زنش دلسرد و بی میل می شد، او را در مضیقه و شکنجه قرار می داد، هدفش این بود که با تحت شکنجه قرار دادن او، او را به طلاق راضی کند و تمام یا قسمتی از آنچه به عنوان مهر به او داده پس بگیرد. قرآن کریم این روش نادرست و اجحاف و زروگوئی را منع نمود»^۲.

پس گرفتن مهریه به اتهام فحشاء: «یکی دیگر از رسوم این بود که مردی که با زنی ازدواج می کرد و برای او احیاناً مهر سنگینی قرار می داد، اما همین که از او سیر می شد و هوای تجدید فراش به سرش می زد، زن بیچاره را متهم به فحشاء می کرد و حیثیت او را لکه دار می نمود و چنین وانمود می کرد که این زن از اوّل شایستگی همسری مرا نداشته و ازدواج باید فسخ شود و من مهریه ای را که به او داده ام، باید پس بگیرم. قرآن کریم این رسم را نیز منسوخ کرد و جلوی آن را گرفت»^۳.

نتیجه ای که از اقسام مهریه های منسوخ در اسلام می توان گرفت، این است که اسلام با هر گونه فرهنگ غلط و رسوم نادرست و بدعت در دین و با هر گونه گفتار و یا رفتاری که باعث فاصله گرفتن از اهداف و فلسفه ی احکام اسلامی می شود، مخالف است. بنابراین اگر امروزه مهریه های سنگین نیز باعث این گونه امور شود، قطعاً دین مقدّس اسلام بدان راضی نیست، زیرا سوء استفاده از احکام اسلامی نیز خود یک خلاف شرع و خلاف قانون محسوب شده و باید برای جلوگیری از آن راهکاری شرعی و قانونی ارائه کرد.

۱- همان منبع قبلی.

۲- همان منبع قبلی.

۳- همان منبع قبلی.

بخش دوم

اقسام مهریه، نوع و جنس
مهریه و نقش مهر در نکاح

عقد ازدواج یا همان نکاح یکی از عقودی است که پس از انعقاد آن، زوجین بطور مرتب با هم ارتباط داشته و حقوق و تکالیف متقابلی در برابر هم پیدا می کنند. حق استمتاع، حق نفقه و حق مهریه از بارزترین حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر است که قدمت و پیشینه ی آن به ازدواج اولین زوجین، یعنی آدم و حوا بر می گردد.

۱-۲-۱: اقسام مهریه

در دین مقدس اسلام مهریه از اهمیت خاصی برخوردار است و دارای اقسام و شرایطی مختلفی است. در عقد نکاح دائم ذکر مهریه ضرورتی ندارد و عقد بدون ذکر مهر هم صحیح می باشد، اما از حیث اینکه مهریه را تعیین کرده باشند یا خیر، و از این جهت که دخول انجام گرفته باشد یا نه، اقسامی برای مهریه به وجود می آید، که در این قسمت این اقسام و شرایط آن را بیان می کنیم:

۱-۲-۲: مهرالمسمی

مهرالمسمی مهری است که زوجین یا کسانی که از طرف آنها اجازه دارند، قبل یا هنگام عقد آن را تعیین می کنند. شیخ طوسی در کتاب المبسوط چنین می گوید: « وَإِنْ سُمِّيَ مَهْرًا لَرِمَ ذَلِكَ الْمُسْمَى^۱ » یعنی اگر مهریه ای نامیده شد (مقرر شد) آن مهریه بعنوان مهرالمسمی لازم است. صاحب کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه هم این چنین می گوید: « المهر المسمی، و هو ما تراضی علیه الزوجان، و سمیاه فی متن العقد. »^۲ مهرالمسمی چیزی است که زوجین بر آن تراضی نمایند و در متن عقد نام ببرند.

مهرالمسمی ممکن است پول نقد، طلا (مثلاً سکه ی بهار آزادی)، عین معین، مثل یک خانه مشخص یا یک باغ معین یا حتی منفعتی مانند حق سکونت در خانه ای باشد. همچنین مهرالمسمی ممکن است انجام عملی مثل آموزش رایانه، تعلیم قرآن و... باشد. کما اینکه ممکن است استفاده از حقّی، مثل حق دینی یا حق عینی باشد. حق دین مثل اینکه مرد طلبی را که از دیگری دارد، همان را بعنوان مهریه همسرش قرار دهد. حقّ عینی مانند حق ارتفاق (حق عبور از معبری) یا اینکه ممکن است مرد مهریه همسرش را حق انتفاع خویش از چیزی قرار دهد.

در کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه گفته شده:

« و یصح أن یكون المهر نقداً و مصاعاً و عقاراً و حیواناً و منفعةً و عروض تجاره، و غیر ذلك مما له

۱- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، سال ۱۳۸۷ ه. ق.، «المبسوط فی فقه الإمامیه»، ج ۴، ص ۱۶۷.

۲- مغنیه، محمد جواد، سال ۱۴۲۱ ه. ق.، «الفقه علی المذاهب الخمسه»، ج ۲، ص ۳۳۹.

قیمه»^۱. یعنی: صحیح است مهریه پول نقد و طلائی ساخته شده، منزل (خانه) حیوان و کالاهای تجارته و چیزهای دیگری که قیمت دارد، باشد.

۱-۲-۳: شرایط مهرالمسمی

محمد جواد مغنیه در مورد شرایط مهرالمسمی می نویسد:

« یشرط ان یکون معلوما إما بالتفصیل کألف لیره، و اما بالإجمال، کهذه القطعه من الذهب، أو هذه الصبره من الحنطه، و إذا كان مجهولا من جميع الجهات بحيث لا يمكن تقويمه بحال صح العقد و بطل المهر عند الجميع»^۲.

مهریه باید تفصیلاً معلوم باشد مثل هزار لیره، یا اجمالاً معلوم باشد مثل این قطعه طلا یا این خرمن گندم و اگر از همه جهت مجهول باشد بنحوی که امکان ارزش گذاری در هیچ حال نداشته باشد، طبق نظر پنج مذهب عقد صحیح و مهریه باطل است. پس شرایط مهرالمسمی عبارت است از:

مالیت داشته باشد: آنچه به عنوان مهریه تعیین می گردد، باید مالیت داشته و دارای ارزش اقتصادی باشد. شهید اول و شهید ثانی در این زمینه می گویند: «ولتقدير فی المهر قلّه ما لم يقصر عن التقويم كحبه حنطه»^۳.

یعنی در مهریه از جهت قلت، مقدار [محدود] لازم نیست، تا مادامی که [مقدار تعیین شده به اندازه ای کم نباشد] که از ارزش نیفتد. مثلاً دانه گندم، که ارزشی ندارد، نمی تواند مهریه قرار داده شود. طبق ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی: « هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می توان مهر قرار داد».

قابل تملک باشد: مهریه باید قابل تملک بوده تا زن حق تصرف در آن را داشته باشد؛ بنابراین چیزهایی که قابل تملک نیست، مانند اموال عمومی، دریاها، موقوفات، اشیاء نجس و... نمی توان مهریه قرار داد. حتی اگر مالی از جهت شرعی یا قانونی توقیف شده باشد، نمی توان آن را بعنوان مهریه تعیین کرد؛ چون چنین مالی قابل تملک نیست.

معلوم باشد: مهر المسمی باید از جهت مقدار، جنس و وصف معلوم باشد. برای تعیین مقدار بوسیله کیل (پیمان)، عدد و یا وزن مقدار آن را مشخص می کنند. مهریه از جهت جنس نیز باید

۱- مغنیه، محمد جواد، همان منبع، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲- همان منبع.

۳- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد، سال ۱۴۱۰ه.ق. «الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة»، محقق / مصحح: سید محمد

کلاتر، ج ۵، ص ۳۴۳.